

قضیه دارفور از منظر حقوق بشردوستانه

علیرضا دلخوش*

چکیده

بحران دارفور با حجم بسیار گسترده‌ای از آوارگی و خشونت علیه انسانهای فقیر و محروم در قلب آفریقا به عنوان یک رخداد غم‌انگیز و دردناک انسانی، سالهای اخیر بخش زیادی از اخبار و تحولات منطقه‌ای و جهانی را به خود اختصاص داده است.

بحرانی که بین مفاهیمی مانند منازعات قبیله‌ای مورد ادعای دولت سودان و نسل‌کشی و پاکسازی نژادی مورد ادعای مجامع بین‌المللی بیش از پیش گسترده‌تر شد و تلاش کشورهای غربی و سازمان ملل تاکنون نتوانسته است امنیت و صلح و آرامش را به منطقه برگرداند و در این میان دولت سودان را با فشارهای جهانی مواجه ساخته است. مقاله زیر ابعاد بحران دارفور را از دیدگاه حقوق بشر مورد مطالعه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: دارفور، حقوق بشر، اساسنامه دیوان کیفری، سازمان ملل،

سودان.

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل

موقعیت: دارفور منطقه‌ای بسیار محروم و فقیر واقع در غرب سودان است. وسعت دارفور یک پنجم کشور سودان یعنی حدود نیم میلیون کیلومتر مربع می‌باشد. حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت ۳۵ میلیونی سودان در این منطقه زندگی می‌کنند. از نظر مذهبی همه مردم دارفور مسلمان می‌باشد. دارفور قبل از پیوستن به سودان در سال ۱۹۱۶ میلادی، سرزمینی مستقل بود.

ساکنین دارفور به دو گروه نژادی عرب (ساکن شمال دارفور) و آفریقایی سیاه (ساکن جنوب و غرب دارفور) تقسیم می‌شوند. دست کم ۳۶ گروه قومی در دارفور زندگی می‌کنند که بزرگترین آنها سه قوم «فور»، «مسالیت» و «زغاوه» هستند. در این میان قوم زغاوه دارای پیوند گسترده‌ای با کشور چاد می‌باشد و «ادریس دبی» رئیس‌جمهور چاد از این قبیله است.

قبایل دارفور با آنکه مسلمان هستند اعتقاد دارند مورد بی‌مهری حکومت عربها در پایتخت قرار گرفته و بهره‌ای از ثروت و قدرت نبرده‌اند.

تنش‌های سنتی در دارفور: دارفور به علت بافت اجتماعی و وجود قبایل گوناگون از سالها پیش با منازعات قبیله‌ای بر سرچراگاهها، آب و زمین دست به گریبان بود. تا سال ۲۰۰۳ دهها نزاع قبیله‌ای در این منطقه بوقوع پیوست که منجر به ۳۹ نشست در سطح منطقه و حل و فصل اختلافات به طریق ریش سفیدی شد.

غارتهای مسلحانه و یورش به روستاها همزمان با خشکسالی دهه ۸۰ باعث شد تا هزاران دارفوری آواره کوه و بیابان شوند. در این میان دولت برای سرکوب نمودن غارت و یورش به روستاها، اقدام به مسلح کردن گروهی عرب تبار تحت عنوان «جنگویدها»، اقدام به مسلح کردن گروهی عرب‌تبار تحت عنوان «جنگویدها» نمود که عملکرد آنان پس از چند سال موجبات نارضایتی و بدبینی مردم نسبت به دولت را فراهم کرد.

در سال ۲۰۰۳، بار دیگر جنگ بین جنوب - شمال در دارفور سودان (مساحتی به اندازه کشور فرانسه) آغاز شد.

ارتش آزادیبخش سودان (SLA/M)، جنبش عدالت و برابری (JEM) علیه دولت سودان وارد درگیری شدند و شبه نظامیان جنجويد نیز به طرفداری از دولت وارد کارزار گردیدند.

بین‌المللی شدن بحران و تلاش برای حل آن: پس از اوجگیری درگیریهای مسلحانه بین شورشیان و نیروهای دولتی و افزایش روزافزون آوارگان و کشته‌شدگان و ناتوانی دولت جهت مهار این بحران، کشورهای غربی و سازمانهای بین‌المللی با واکنش شدید وارد سودان و مناطق بحرانی شدند. حمایت برخی کشورها و سازمانها از گروههای شورشی در دارفور و واکنش شدید سازمانهای حقوق بشری و غیردولتی به این رخداد موضوع دارفور را از یک مسئله داخلی به موضوعی بین‌المللی تبدیل کرد به طوری که موضوع دارفور چندین بار در شورای امنیت مطرح گردید. «جان پرونک» نماینده ویژه دبیر کل در امور سودان در گزارشهای متعددی که به شورای امنیت ارائه می‌کرد وضعیت امنیتی در دارفور را وخیم توصیف کرد و همه این تحولات نهایتاً باعث گردید تا شورای امنیت اقدام به صدور قطعنامه‌های متعددی علیه دولت سودان نماید. از مجموع این قطعنامه‌ها، پنج قطعنامه دارای اهمیت و موجد وضعیت جدیدی در سودان گردید که این پنج قطعنامه عبارتند از:

۱. قطعنامه ۱۵۵۶ مورخ ۳۰ ژوئن / ۲۰۰۴: در این قطعنامه به خارطوم یک ماه فرصت داده شد تا اقدام به برقراری امنیت، خلع سلاح جنجويد و تسهیل کمک‌رسانی بین‌المللی به دارفور نماید و در غیر این صورت شورای امنیت تدابیری علیه این کشور اتخاذ خواهد نمود.
۲. قطعنامه ۱۵۶۴ مورخ ۱۹ سپتامبر / ۲۰۰۴: بر اساس یکی از بندهای این قطعنامه، از دبیر کل خواسته شد تا برای بررسی احتمال وقوع نسل‌کشی در دارفور کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهد.

۳. قطعنامه ۱۵۹۱ مورخ ۲۹/ مارس / ۲۰۰۵: در این قطعنامه برخی مجازاتها علیه سودان شامل ممانعت از انجام سفر برخی مقامات و بلوکه کردن دارائی‌های کسانی که در نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و ارتکاب جنایات جنگی در دارفور مسئول شناخته می‌شوند، پیش‌بینی شد.

۴. قطعنامه ۱۵۹۳ مورخ ۱/ آوریل / ۲۰۰۵: موضوع محاکمه مرتکبین نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و جنایات و کشتار در دارفور را در دیوان بین‌المللی کیفری لاهه مورد تصویب قرار داد.

۵. قطعنامه ۱۷۰۶ مورخ ۳۱ / آگوست / ۲۰۰۶: براساس این قطعنامه تعداد ۲۲۵۰۰ نفر نیروی نظامی و پلیسی در قالب نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به جایگزینی نیروهای اتحادیه آفریقا در دارفور مستقر می‌شوند.

بحران دارفور از منظر حقوق بشردوستانه: به منظور بررسی ابعاد مربوط به حقوق بشردوستانه بحران دارفور به اسناد مختلفی از جمله گزارش کمیسیون تحقیق بین‌المللی دارفور (موضوع قطعنامه ۱۵۶۴ شورای امنیت)، دادخواست‌های دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (موضوع قطعنامه ۱۵۹۳) و گزارش‌های آژانس‌های تخصصی حقوق بشردوستانه نظیر عفو بین‌المللی و شورای حقوق بشر خواهیم پرداخت.

الف: گزارش کمیسیون تحقیق بین‌المللی دارفور

(ICID- International Commission of Inquiry on Darfur)

با توجه به اینکه بر اساس قطعنامه ۱۵۶۴ سال ۲۰۰۴ شورای امنیت، کمیسیون تحقیق بین‌المللی دارفور مسئولیت احراز و اعلام موارد نقض حقوق بشردوستانه از جانب طرفهای درگیر در بحران دارفور را بر عهده گرفت، در ادامه بحث به بررسی گزارش‌های این کمیسیون به شورای امنیت (که در واقع موضوع نوشته حاضر می‌باشد) می‌پردازیم.

گزارش ICID در تاریخ ۲۵/ ژانویه/ ۲۰۰۵ به شورای امنیت ارائه گردید. براساس این گزارش، حملات کلی (بدون رعایت اصل تفکیک) از جمله کشتار شهروندان، شکنجه، پدید کردن و ربایش، ویرانی روستاها، خشونت‌های جنسی، غارت اموال و آوارگی اجباری از سوی دولت سودان و شبه‌نظامیان وابسته صورت پذیرفته است.

گزارش ICID در تاریخ ۲۵/ ژانویه/ ۲۰۰۵ به شورای امنیت ارائه گردید. براساس این گزارش، حملات کلی (بدون رعایت اصل تفکیک) از جمله کشتار شهروندان، شکنجه، ناپدید کردن و ویرانی روستاها، خشونت‌های جنسی، غارت اموال و آوارگی اجباری از سوی دولت سودان و شبه‌نظامیان وابسته صورت پذیرفته است.

- براساس گزارش ICID به دبیرکل سازمان ملل، این گروه اقدامات خود را بر چهار موضوع متمرکز نمود: بررسی گزارش‌های مبنی بر نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر از سوی هر دو طرف درگیری در دارفور، نتیجه‌گیری در خصوص اینکه آیا نسل‌کشی در دارفور روی داده است یا خیر، تعیین حامیان و مرتکبین نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، توصیه راه‌هایی جهت حصول اطمینان از وجود مسئولیت نقض حقوق فوق‌الذکر بر عهده مرتکبین این تخلفات.

- براساس یافته‌های این کمیسیون، حدود ۱/۶۵ میلیون نفر آواره درون سرزمینی و بیش از ۲۰۰ هزار نفر پناهنده در کشور همسایه (چاد) حضور دارند.

- در سه ایالت دارفور تخریب زیربنایی روستانها بوقوع پیوسته است.

- دولت سودان و گروه جنجويد مسئول نقض فاحش حقوق بشردوستانه و حقوق بشر می‌باشند.

- نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان وابسته به دولت مرتکب اقداماتی از جمله حملات غیرتفکیکی از جمله قتل شهروندان، شکنجه، آوارگی اجباری، ویرانی روستاها، خشونت‌های جنسی، غارت و اخراج شهروندان از موطن و شکنجه شده‌اند.

- اقدامات فوق در مقیاس گسترده و به صورت سیستماتیک صورت پذیرفته و از این حیث جنایات علیه بشریت می‌باشند.
- ویرانی‌های گسترده و آواره‌سازی اجباری موجب نقض حق حیات و ملزومات برای تعداد بی‌شمار زن، مرد و کودک گردیده است.
- علاوه بر حملات گسترده، افراد زیادی دستگیر و بازداشت شده و به مدت طولانی در زندانهای انفرادی نگاه داشته شده و شکنجه گردیده‌اند.
- مقامات رسمی دولت سودان در مذاکرات خود با کمیسیون اعلام نمودند هرگونه اقدام صورت گرفته از سوی نیروهای دولتی در دارفور با هدف اقدامات متقابل در برابر شورشیان بوده و براساس الزامات نظامی صورت گرفته است.
- براساس یافته‌های کمیسیون، بیشتر این حملات از سوی دولت به صورت عمدی و به صورت عام (غیرتفکیکی) علیه غیرنظامیان (شهروندان) صورت پذیرفته است.
- بر فرض حضور شورشیان یا حامیان شورشیان در برخی روستاها (که موارد بسیار نادری در این خصوص یافت شد) حملات صورت پذیرفته از سوی نیروهای دولتی به این روستاها بدون اعلام قبلی و یا اخطار جهت خروج غیرنظامیان از این مناطق صورت پذیرفته است و علاوه بر آن، حملات صورت پذیرفته، تناسبی با خطرات مورد ادعای دولت نداشته است.
- حملات علیه روستاها، کشتار شهروندان، سوءرفتار جنسی، تاراج و آواره‌سازی اجباری از سوی دولت حتی در طول رسیدگی‌های کمیسیون ادامه داشت.
- همزمان با اینکه کمیسیون دلایل متقنی برای اثبات سیستماتیک و گسترده بودن تخلفات مذکور از سوی گروههای شورشی پیدا نکرد در عین حال دلایل محکمی مبنی بر مسئولیت نقض فاحش حقوق بشردوستانه و حقوق بشر از سوی نیروهای شورشی و از جمله اعضاء SLA و JEM که می‌تواند در حد جنایات جنگی باشد یافت نمود.

- کمیسیون به این نتیجه رسید که به دلیل نبود «قصد نسل‌کشی» در نزد تصمیم‌گیران دولتی سودان، سیاست نسل‌کشی در اقدامات دولتی مشاهده نگردید.
- کمیسیون در برخی موارد به این نکته پی برد که اقدامات برخی از اشخاص از جمله مقامات دولتی با نیت نسل‌کشی صورت پذیرفته است. تعیین اینکه این اقدامات در دارفور صورت گرفته باید توسط دادگاه صالحه اثبات گردد.
- اساسی و فاحش بودن جرایم ارتكابی توسط دولت در زمینه جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی چیزی کمتر از جرم نسل‌کشی نیست.
- مسئولیت جرایم فوق‌الذکر متوجه مقامات رسمی دولت سودان، اعضاء نیروهای شبه نظامی، اعضاء گروههای شورشی و برخی افسران نظامی کشورهای خارجی می‌باشد.
- هرچند اقدامات دولت در دارفور، در حد نسل‌کشی نمی‌باشد (با توجه به تعیین‌کننده بودن عنصر «قصد») لیکن وجود جنایتهای سیستماتیک و گسترده و جنایات علیه بشریت که توسط دولت انجام پذیرفته، اثبات گردیده است.
- کل جمعیت منطقه دارفور تقریباً ۶ میلیون نفر است. ۲/۴ میلیون نفر از این جمعیت به طور مستقیم تحت تأثیر بحران قرار گرفته‌اند. ۱/۸۴ میلیون نفر از خانه‌های خود آواره شده لیکن در دارفور به سر می‌برند. (آوارگان درون سرزمینی) و تا نیمه اکتبر ۲۰۰۴، ۲۰۰ هزار نفر به کشور چاد گریخته‌اند.
- هرچند حملات نیروهای شورشی علیه شهروندان در دارفور به اندازه اقدامات نیروهای دولتی سیستماتیک و گسترده نبوده، لیکن این نیروها نیز در نقض حقوق بشردوستانه این منطقه، مقصر می‌باشند. در عین حال مسئولیت اولیه این جنایات برعهده رژیم خارطوم می‌باشد.

- دولت سودان در خصوص تسهیل ارسال کمکهای بشردوستانه به آسیب‌دیدگان غیرنظامی دارفور توسط روشهای مختلفی از جمله انکار گستره دامنه بحران و نفی مسئولیت خود در بحران، کارشکنی نموده است.
- قتل نیروهای آژانسهای بشردوستانه توسط شورشیان و نیروهای دولتی در دارفور (دو نفر از ۱۰ اکتبر ۲۰۰۴، سه نفر در دسامبر ۲۰۰۴) مسئولیت کیفری مرتکبین این جنایات را به دنبال دارد.
- موکش کاپیلا (Mukesh Kapila) نماینده سازمان ملل در امور بشردوستانه در سودان به دلیل ادای شهادت در خصوص تخلفات فاحش دولت سودان در مورد حقوق بشردوستانه، از سودان اخراج گردید. اخراج وی از سودان، خلا بزرگی در عملیات سازمان ملل در مقطع حساس ایجاد نمود.
- دولت سودان علیرغم اعلام قطعی شورای امنیت مبنی بر ضرورت خلع سلاح گروه جنجود از این اقدام خودداری نموده است.
- دیوان کیفری بین‌المللی براساس قطعنامه شورای امنیت و صلاحیت رسیدگی به جرائم جنایات جنگی از سوی دولت سودان و شورشیان مخالف را دارد.
- کشورها به همان اندازه که دارای صلاحیتهای انحصاری حاکمیتی می‌باشند، دارای مسئولیت اولیه حمایت از شهروندان خود نیز می‌باشند. در صورت ارتکاب جنایاتی از سوی دولتهای علیه شهروندان خود، جامعه بین‌الملل در قبال آن شهروندان مسئولیت مستقیم دارد.

ب: گزارش‌های داستان دیوان بین‌المللی کیفری:

در ۳۱ مارس ۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۱۵۹۳، تصمیم گرفت تا وضعیت دارفور از اول جولای ۲۰۰۲ را به دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع

شورای امنیت با استناد به گزارش ICID و با استناد به مواد ۱۶، ۷۵ و ۷۹ و بند دوم ماده ۹۸ اساسنامه رم، موضوع رسیدگی به جرایم انجام شده در دارفور را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نمود. بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری به دیوان اجازه می‌دهد که صلاحیت خود را در مواقعی که شورای امنیت در چهارچوب فصل هفتم، موضوعی را در خصوص جرایم تحت پوشش دیوان به آن ارجاع می‌دهد، اعمال نماید. جرایم تحت پوشش اساسنامه دیوان کیفری شامل نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است.

لازم به ذکر است که این اولین بار بود که پس از تشکیل دیوان کیفری، شورا موضوعی را به آن دیوان ارجاع می‌دهد.

دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی چهار گزارش به شورای امنیت ارائه نمود. با عنایت به اشتراک موضوعی این چهار گزارش، وجوه مشترک این گزارشها و اهم موارد ذکر شده در این گزارشها را در ادامه مرور می‌نمائیم:

- از اکتبر ۲۰۰۲ تا می ۲۰۰۶، انواع مختلف جنایات جنگی در دارفور صورت پذیرفته است. هزاران مورد کشتار مستقیم شهروندان توسط طرفین درگیری اثبات گردیده است. بر اساس اسناد موجود، این کشتارها شامل موارد متعدد قتل عام بوده است. تعداد زیادی از قربانیان و شهود شهادت داده‌اند که مردانی که به نظر می‌رسید از مناطق فور، مسالیت و غازوا بودند تعمداً مورد کشتار قرار گرفته‌اند. بر اساس اسناد موجود، مرتکبین این کشتارها قبل از اقدامات خود اعلام نموده‌اند «ما تمام سیاهان را خواهیم کشت. ما شما را از صفحه روزگار حذف خواهیم کرد.»

- شواهد موجود، ارتکاب چندین جنایت را در دارفور نشان داده و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار دارد. از جمله این جنایات، جنایات

- علاوه بر کشتارهای مستقیم، هزاران نفر از شهروندان از سال ۲۰۰۳ در نتیجه شرایط نامساعد حیات ناشی از جنگ و آوارگی، جان خود را از دست داده‌اند. این افراد به دلیل نبود چادر و ضروریات اولیه (غذا و سایر کمکهای ضروری بشردوستانه) جان خود را از دست داده‌اند. این نوع از مرگ (مرگ آهسته) بیشترین قربانیان را از میان گروههای آسیب‌پذیر نظیر کودکان، کهنسالان و بیماران گرفته است.
- دفتر دادستانی صدها پرونده سوءاستفاده جنسی را ثبت نموده است.
- اطلاعات موجود موارد گسترده آواره‌سازی شهروندان که اخیراً تعداد این آوارگان به ۲ میلیون رسیده است را ثبت نموده است.
- منطقه غرب دارفور، بیشتر مکان وقوع بی‌خانمان سازی، کشتارهای مستقیم و سایر انواع جنایات می‌باشد. جمعیت شهرنشین به اجبار و به دلایل غیرمرتبط با جنگ از خانه‌های خود اخراج شده‌اند.
- تخریب اماکن و تاراج، امری شایع در جنایات دارفور می‌باشد. اماکن مذهبی و یادواره‌ها، مورد حمله قرار می‌گیرند. مساجد (حدوداً ۶۵ مسجد در غرب دارفور و مسالیت) و سایر اماکن مقدس مورد حمله قرار گرفته‌اند. حمله به اهداف غیرنظامی از جمله اماکن درمانی توسط هر دو طرف درگیری ثبت شده است.
- حمله مستقیم به کارمندان بشردوستانه و حافظ صلح از جمله قتل حافظان صلح اتحادیه آفریقا در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ انجام پذیرفته است. این حملات نه تنها

- اسامی ۵۱ نفر که توسط کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل تهیه گردیده، جهت محاکمه به دیوان کیفری ارائه شده است. با اینکه رسیدگی به این موضوع که کدام نوع از جنایات صورت پذیرفته در دارفور داخل در صلاحیت دیوان می‌باشد، دارای اهمیت است لیکن فاحش بودن این جنایات در مرکز توجه قرار داشته و دفتر دادستانی به عواملی چون دامنه و طبیعت جنایات (بویژه تعداد قربانیان و مقتولان)، ویژگی سیستماتیک و اثرات جنایات توجه ویژه‌ای دارد.

- دیوان دارای صلاحیت رسیدگی به جنایات علیه بشریت، جرایم جنگی و نسل‌کشی است. ادعاهای متعددی مبنی بر اینکه گروههای دخیل در جنایات دارفور، جرایم فوق‌الذکر را با قصد ویژه نسل‌کشی انجام داده‌اند مطرح می‌باشد.

- ویژگی خاص جنایات انجام شده در دارفور، چندگانه بودن طرفهای درگیر، گوناگونی آنها در طول زمان و فقدان علامت مشخص، یونیفورم و علائم قابل تفکیک طرفها می‌باشد.

ج: پنجمین گزارش کمیته منتخب توسعه بین‌الملل پارلمان انگلیس (۲۰۰۵):

کمیته منتخب پارلمان انگلیس در خصوص توسعه بین‌المللی در گزارشهای دوره‌ای خود، اوضاع دارفور از منظر حقوق بشردوستانه را مورد بررسی قرار داده است که به خاطر اهمیت و دقت گزارشها، مورد استناد دیوان کیفری نیز قرار گرفته است. اهم موارد ذکر شده در پنجمین گزارش کمیته مزبور بدین قرار می‌باشند:

- دولت سودان امکانات ضعیفی را برای رساندن کمکهای انساندوستانه به دارفور ایجاد کرده است. دولت سودان با انکار دو موضوع «دامنه بحران» و «مشارکت و نقش خود در بحران» در همکاری با سازمانهای بشردوستانه خودداری می‌نماید.

- دولت سودان به منظور پنهان کردن خشونت‌ها و بی‌رحمی‌ها در دارفور از نگاه جهان خارج، از دسترسی آژانس‌های بشردوستانه و خبرنگاران به دارفور ممانعت می‌نماید.

- در اواخر می ۲۰۰۴، دولت سودان موانع عدیده‌ای را در برابر نیروهای بشردوستانه ایجاد نمود به طوری که ۷۵ الی ۸۰ درصد مشکلات گروه‌های بشردوستانه از سوی دولت ایجاد گردید. دولت با تحمیل مقررات دست و پا گیر روادید، محدودیت‌های مسافرتی و بایکوت خبری در مسیر فعالیت‌های بشر دوستانه مانع تراشی می‌نماید.

- همانگونه که گزارش‌های کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل تایید نموده است، نیروهای دولتی سودان و گروه جنجويد، حملات غیر تفکیکی، قتل شهروندان، شکنجه، ناپدیدي اجباري، ویرانی روستاها، تجاوزات جنسی، تاراج و آوارگی غیرنظامیان را در دارفور انجام داده‌اند.

د: گزارش گروه عالی سازمان ملل در خصوص «مسئولیت بر حمایت»:

گزارش گروه عالی مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات در سال ۲۰۰۴ منتشر شد.^۱ در این گزارش موضع مسئولیت بر حمایت مطرح گردید. براساس این مفهوم، برای امنیت جهانی مسئولیت مشترکی بین تمامی کشورها وجود دارد. بر اساس نظر این گروه عالی، سه موضوع در بحث «مسئولیت بر حمایت» مطرح می‌باشد.

موضوع اول: «حمایت» چگونه می‌تواند امنیت را گسترش دهد، موضوع دوم: به هنگام ناکار آمدی یا ناکامی «حمایت»، چه نیرویی توانایی افزایش امنیت را دارد و موضوع سوم: سازمان ملل خود چگونه می‌تواند به یک بازیگر موثر در وضع مقررات مربوط به امنیت دسته‌جمعی تبدیل گردد.

در مورد درگیری‌های داخلی (مانند بحران دارفور) گزارش این گروه عالی رتبه سازمان ملل اعلام می‌دارد: اصل عدم دخالت در امور داخلی کشورها نمی‌تواند مبنایی

- مسئولیت بر حمایت شامل سه مسئولیت می‌شود: مسئولیت پیشگویی، مسئولیت بر واکنش و مسئولیت بر بازسازی و توسعه؛

- دولت سودان و گروه‌های متحد آن و همچنین گروه‌های شورشی، همگی در بحران دارفور مجرم می‌باشند. لیکن مسئولیت اولیه در قتل شهروندان و صدمات وارده بر آنان برعهده دولت سودان می‌باشد. در عین حال جامعه بین‌الملل نیز مسئولیت دارد.

- زمانی که بحران دارفور در حال گسترش بود، جامعه بین‌الملل دارای سه مسئولیت بود: (مرحله نخست: فشارهای سیاسی جهت توقف کشتار شهروندان، توقف درگیری و رجوع به مکانیزم‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز و اعاده امنیت واقعی به دارفور؛ مرحله دوم، حمایت‌های بشردوستانه و ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم بحران زده و مرحله سوم، حمایت از مردم جهت بازسازی و توسعه).

۵- گزارش عفو بین‌الملل در خصوص واقع دارفور؛ ۳ / فوریه / ۲۰۰۴:

در گزارش سازمان عفو بین‌الملل به تاریخ سوم فوریه ۲۰۰۴، به موارد متعددی از نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور اشاره شده است که نظر به اهمیت موضوع به اهم موارد مطروحه اشاره می‌شود:

- نقض فاحش حقوق بشر دوستانه در دارفور به صورت مستند موجود می‌باشد؛

- نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان وابسته به دولت، حیات، آزادی و اموال صدها هزار شهروند سودانی را تهدید کرده و آنها را بدون رعایت اصل تفکیک، بمباران کرده و به قتل رسانده، شکنجه نموده، دختران و زنان را مورد سوء استفاده جنسی قرار داده، دستگیر و بازداشت کرده و از خانه‌هایشان به زور اخراج می‌نمایند؛

- از آغاز درگیری (فوریه ۲۰۰۳) میان جنبش آزادی بخش سودان (SLM/A) و دولت خارطوم، هزاران نفر از خانه‌های خود اخراج و در مرزهای سودان و چاد به دنبال پناهگاه می‌باشند؛
- پناهجویان مستقر در چاد، گزارشهای خود را به گروه عفو بین‌الملل ارائه داده‌اند. آنان گواهی داده‌اند که دولت و شبه‌نظامیان وابسته به دولت به روستاها و شهرها حمله نموده‌اند.
- کشتارهای دولتی و گروه جنجوید، مصداق عینی اعدامهای بدون محاکمه و کشتارهای غیرقانونی است.
- دولت سودان باید کلیه حمایت‌های خود از گروه جنجوید را متوقف ساخته و یا کنترل کاملی بر عملکرد آنان برداشته باشد. از جمله مسئولیت‌های دولت، پاسخ‌گویی در برابر نقض فاحش حقوق بشردوستانه می‌باشد.
- مسئولین دولتی سودان به هیچ عنوان اعمال ناقض حقوق بشردوستانه در دارفور را محکوم ننموده‌اند و هیچ سیستم بازرسی بی‌طرفانه و شفاف را جهت بررسی عملکرد نیروهای درگیر در این منطقه ایجاد ننموده‌اند.
- شهروندان جویای مکان امن و پناهگاه در مرزهای چاد و سودان نیز مورد حمله قرار گرفته‌اند. در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۳، دولت سودان، شهر تینا در کشور چاد را بمباران کرده و سه نفر را کشته و ۱۲ نفر دیگر را زخمی نموده است؛
- سازمان عفو بین‌المللی همچنین از نیروهای مخالف دولت سودان (SLM/A) و جنبش برابری و عدالت (JEM) و شبه‌نظامیان متحد دولت می‌خواهد در تمام مقاطع به مقررات حقوق بشر دوستانه ویژه درگیریه‌های مسلحانه داخلی پایبند بوده و به حق حیات و زندگی شهروندان سرزمین‌های تحت کنترل خود - احترام بگذارند.

و: گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد؛ (۲۰۰۶):

این گزارش در نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مورخ ۱۳/ دسامبر/ ۲۰۰۶ در خصوص بررسی اوضاع دارفور منتشر شد. محورهای گزارش ارائه شده در این گزارش بدین قرار می‌باشند:

- قصور دولت سودان در حمایت و مراقبت از شهروندان حین مخاصمه مسلحانه مشهود بوده و دامنه این خشونت‌ها به کشورهای چاد و جمهوری آفریقای مرکزی نیز تسری پیدا نموده است؛
- صدها هزار نفر از قربانیان، مورد سوء رفتار جنسی، شکنجه و قتل قرار گرفته‌اند و میلیون‌ها نفر آواره گردیده‌اند؛
- مسئولیت اولیه این جنایات به عهده دولت سودان می‌باشد؛

ز: اقدامات شورای امنیت در خصوص وضعیت حقوق بشردوستانه بحران دارفور:**۱- قطعنامه ۱۵۰۲ (۲۰۰۳):**

- محورهای مهم این قطعنامه بدین قرارند:
- تاکید بر لزوم رعایت قطعنامه ۱۲۶۵ (۱۹۹۹) در خصوص حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه؛
- تاکید بر رعایت قطعنامه ۱۴۶۰ (۲۰۰۳) در خصوص حفاظت از کودکان در مخاصمات مسلحانه؛
- ضرورت رعایت قوانین کشورهای میزبان از سوی نیروهای بشردوستانه؛
- منع حقوق بین‌الملل از حمله عامدانه به نیروهای بشردوستانه و شناسایی این مسئله به عنوان جنایت جنگی؛
- نگرانی نسبت به حمله به نیروهای بشردوستانه؛
- ضرورت ضمانت دولتهای محل جهت شناسایی و مناجات مجرمان بشردوستانه؛

- تاکید بر رعایت اصول بشردوستانه ناظر بر حمایت از نیروهای بشر دوستانه توسط طرفهای درگیر؛

- اتخاذ تصمیماتی از سوی شورا جهت حصول اطمینان نسبت به امنیت نیروهای بشر دوستانه در دارفور؛

۲- بیانیه شورای امنیت (۲ / آوریل ۲۰۰۴):

در این بیانیه که از سوی رئیس شورای امنیت صادر گردید، بر نگرانی شورا از «بحران گسترده حقوق بشردوستانه» در دارفور تاکید گردیده و از طرفهای درگیر خواسته شد از شهروندان حفاظت کرده و اجازه دهند آژانس‌های بشردوستانه دسترسی کاملی به دارفور داشته باشند.

۳- دومین بیانیه شورای امنیت (۲۵ / می / ۲۰۰۴):

در این بیانیه، از اینکه روند نقض فاحش حقوق بشر ادامه داشته ابراز نگرانی شدید گردیده و از دولت سودان خواسته شد تا گروه جنجويد را خلع سلاح نماید.

۴- قطعنامه ۱۵۴۷ (۲۰۰۴):

در این قطعنامه بر نگرانی شدید جامعه ملل از خشونت و نقض مقررات حقوق بشردوستانه و تسری جنگ به شهروندان و حمله به زنان و کودکان و پناهندگان و آوارگان تاکید گردید.

۵- قطعنامه ۱۵۵۶ مورخ ۳۰ ژوئن / ۲۰۰۴:

پس از تشدید فشارهای بین‌المللی (بویژه از سوی آمریکا، آلمان و انگلیس) علیه دولت سودان، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۱۵۵۶ را با ۱۳ رای موافق و دو رای ممتنع (پاکستان و چین) علیه دولت سودان صادر نمود. در این قطعنامه به خارطوم یک ماه فرصت داده شد تا اقدام به برقراری امنیت، خلع سلاح جنجويد و تسهیل شورای امنیت تدابیری علیه این کشور اتخاذ خواهد نمود. دبیر کل سازمان ملل، جان پروک را

۶- قطعنامه ۱۵۶۴ مورخ ۱۹/سپتامبر/۲۰۰۴:

با پایان مهلت یکماه شورای امنیت، نماینده ویژه دبیر کل در گزارشی به شورای امنیت، ضمن اشاره به برخی پیشرفتهای حاصله در بهبود شرایط دارفور، اعلام کرد: دولت سودان هنوز بسیاری از تعهدات اصلی خود (از جمله خلع سلاح جنگوید) را انجام نداده است. با استناد به این گزارش، آمریکا قطعنامه دیگری به شورای امنیت ارائه کرد که با ۱۱ رای مثبت و ۴ رای ممتنع (الجزایر، پاکستان، چین و روسیه) به تصویب رسید. براساس یکی از بندهای این قطعنامه، از دبیرکل خواسته شد تا برای بررسی احتمال وقوع نسل‌کشی در دارفور کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهد.

۷- قطعنامه ۱۵۹۱ مورخ ۲۹/مارس/۲۰۰۵:

در این قطعنامه برخی مجازات‌ها علیه سودان شامل ممانعت از انجام سفر برخی مقامات و بلوکه کردن دارائی‌های کسانی که در نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و ارتکاب جنایات جنگی در دارفور مسئول شناخته می‌شوند پیش‌بینی شد. همچنین ممنوعیت پرواز هواپیماهای دولتی و نظامی بر فراز دارفور و تحریک ارسال سلاح و مهمات به این منطقه از دیگر مفاد قطعنامه بود.

۸- قطعنامه ۱۵۹۳ مورخ ۱/آوریل/۲۰۰۵:

موضوع محاکمه مرتکبین نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و جنایات و کشتار در دارفور را در دیوان بین‌المللی کیفری لاهه مورد تصویب قرار داد. براساس این قطعنامه، ۵۱ نفر از مقامات سودانی باید پس از آغاز به کار دادگاه محاکمه شوند.

۹- قطعنامه ۱۷۰۶ مورخ ۳۱/آگست/۲۰۰۶:

این قطعنامه با ۱۲ رای موافق و ۳ رای ممتنع (چین، روسیه و قطر) به تصویب رسید. براساس این قطعنامه تعداد ۲۲۵۰۰ نفر نیروی نظامی و پلیسی در قالب نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به جایگزینی نیروهای اتحادیه آفریقا در دارفور مستقر می‌شدند.

بحران دارفور و مسئله آوارگان داخلی سودان:

در قضیه دارفور دو موضوع به عنوان موضوعات بدیع و جدید مورد توجه ناظران بین‌المللی و سازمان ملل متحد قرار گرفت. موضوع نخست عبارت است از «مسئولیت بر حمایت» که در گزارش گروه عالی مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص تهدیدات، چالشها و تغییرات در سال ۲۰۰۴ منتشر شد (این موضوع در این گزارش در قسمت «د» مشروحاً بیان شده است). موضوع دوم، مسئله آوارگان داخلی یا افرادی که در داخل کشور خود بالاجبار از خانه و کاشانه خود اخراج گردیده‌اند می‌باشد. این موضوع در گزارش ICID (کمیسیون بین‌المللی تحقیق در قضیه دارفور) در تاریخ ۲۵/ ژانویه / ۲۰۰۵ به شورای امنیت بیان شده بود.

موضوع آوارگان درون سرزمینی از آن جهت در قضیه دارفور، مطرح می‌باشد که در این بحران، اجماع بین‌المللی و ادعای طرفهای درگیر بر داخلی بودن درگیری است ولی در عین حال در همین درگیری داخلی عده کثیری آواره گردیده‌اند. براساس گزارش کمیسیون تحقیق سازمان ملل (منتشره مورخ ۲۵/ ژانویه / ۲۰۰۵، در سال ۲۰۰۴)، تمامی طرفهای درگیر در بحران دارفور ضمن تأکید بر داخلی بودن بحران دارفور، مقررات کنوانسیونهای ژنو (ماده سه مشترک کنوانسیونهای چهارگانه) را بر این مخاصمه قابل اعمال دانسته‌اند.

با عنایت به اینکه موضوع آوارگی و پناهجویی غالباً در مخاصمات بین‌المللی مطرح می‌باشد لذا مقررات ناظر بر وضعیت این گروه از غیرنظامیان قربانی مخاصمات در کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی (مقررات ناظر بر مخاصمات بین‌المللی) بیان گردیده است و تنها در پروتکل دوم الحاقی است که از «کوچ اجباری» سخن به میان آمده است.

کوچ اجباری به دو دلیل «ملاحظات بشری» و «عوامل طبیعی» اتفاق می‌افتد^۲ در حالی که در مخاصمات بین‌المللی، به آوارگان و پناهجویان غیرنظامی واژه «پناهنده»

براساس گزارشها، برشمار آوارگان اجباری داخلی سودان (در اثر جنگ دارفور) لحظه به لحظه افزوده می‌شود و این در حالی است که نبود تعریف خاصی از آوارگان داخلی، به دولت سودان این فرصت را داده است که در خصوص این گروه افراد، موضوع را با سازمان بین‌المللی مهاجرت مرتبط دانسته و ارتباطی با کمیساریای عالی پناهندگان برقرار ننماید.

لازم به یادآوری است که واژه آوارگان داخلی در برخی موارد با پناهندگان، مختلط می‌شوند. تمایز این دو گروه با توجه به عامل بی‌خانمانی آنها ممکن خواهد بود. تنها تفاوت این دو گروه در انتخاب محل امن برای پناه گرفتن می‌باشد. گروه اول، داخل کشور خود (ولی نه سرزمین مادری خود) را برای پناه گرفتن انتخاب کرده ولی گروه دوم، به خارج از مرزهای کشور متبوع خود گریخته است.

با تعریف فوق، بی‌خانمانهای حاضر در دارفور، آوارگان داخلی بوده و آنهایی که در جستجوی محل امن به کشور چاد وارد شده‌اند بصورت (Refugee defacto) می‌باشند.

همانگونه که قبل گفته شد کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگی، پناهنده‌های کشورهای خارجی در کشور دیگر را مورد حمایت قرار می‌دهد و این حمایتها به آوارگان داخلی تسری پیدا نمی‌کند زیرا این گروه جزئی از حاکمیت و قلمرو حاکمیتی کشورها بوده و باید براساس وظایف حمایتی حقوق بشری دولت متبوع خود حمایت شوند.

تفکیک آوارگان داخلی و بین‌المللی براساس عامل سرزمینی، حقوق آوارگان داخلی را در بلا تکلیفی قرار داده و در سالهای اخیر با تحولات رخ داده در طبیعت درگیریهای بین‌المللی و غیربین‌المللی، موضوع بلا تکلیفی آوارگان داخلی عمق بیشتری یافت است. در سال ۱۹۹۲، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر از دبیر کل سازمان ملل خواست تا گزارشی از موضوع آوارگان داخلی ارائه دهد.

پس از دریافت این گزارش، کمیسیون نماینده‌ای را برای مطالعه جامع در خصوص نیازمندیها، وضعیت آوارگان داخلی تعیین نمود. گزارش جامع در سال ۱۹۹۳ که شامل اصول و خطوط راهنما جهت رفتار با IDpها بود، ارائه گردید.^۳ گزارش فوق‌الذکر ناکارآمدی حمایت‌های بین‌المللی از آوارگان داخلی را در هفت زمینه اعلام کرد:

۱. ابزارهای حقوقی جهت ممنوعیت مفقود شدن آوارگان داخلی؛
 ۲. ایجاد الزامات حقوقی جهت جستجوی گمشده‌ها و خاکسپاری مردگان این گروه؛
 ۳. ممنوعیت کلی استفاده از زمین‌های زمینی علیه این گروه؛
 ۴. ضرورت حمایت حقوقی در برابر بازداشت‌های خودسرانه این افراد؛
 ۵. ایجاد الزامات حقوقی برای کشورها جهت تامین اسناد هویتی این افراد؛
 ۶. شناسایی حق بازگشت به حال اولیه یا دریافت غرامت دارائیهای از دست داده در جریان آوارگی این افراد؛
 ۷. حمایت قانونی جهت دسترسی به حمل و نقل و کمک‌های انساندوستانه سازمانهای بین‌المللی؛
- این گزارش، ۱۷ مورد را به عنوان مواردی که حمایتها از آوارگان داخلی ناکافی است اعلام می‌داد. اهم این موارد عبارتند از:

- ممنوعیت تبعیض
- حمایت از حق حیات

- ممنوعیت سوءاستفاده‌های جنسی
- ممنوعیت بازداشت‌های غیرقانونی
- ممنوعیت استفاده غیرقانونی از این افراد به عنوان سپر انسانی
- ممنوعیت استخدام اجباری این افراد در نیروهای نظامی
- الزام به تامین ضروریات زندگی
- الزام به تجمیع خانواده و مراقبت‌های بهداشتی
- ضمانت آزادی جنبش‌های و سایر حقوق شهروندی و سیاسی
- دسترسی به کمک‌های بین‌المللی

نقض مقررات مدون حقوق بشردوستانه از سوی متخاصمین در دارفور:

جنگ دارفور از نوع مخاصمات داخلی (و نه بین‌المللی) می‌باشد. این موضوع بنابر شرایط جنگ (عدم حضور عامل خارجی مستقیم در جنگ) و تصریح طرفین درگیری (و معتبر دانستن مقررات مربوط به مخاصمات داخلی در موافقتنامه آتش‌بس ۲۰۰۴ فی مابین بی‌نیاز از استدلال مضاعف می‌باشد).

در بحران دارفور دولت مرکزی سودان به همراه گروه جنجوید در برابر گروه‌های شورشی مخالف دولت در حال جنگ می‌باشند. موضوع انتساب گروه جنجوید به دولت مرکزی سودان در قطعنامه‌های شورای امنیت امری مسلم و مفروض تلقی شده و در گزارش کمیسیون تحقیق دارفور (۲۰۰۴) نیز رابطه مستقیم گروه جنجوید و دولت سودان آن مشخص گردیده است.

گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۵^۴ اعلام می‌دارد که اکثر اعمال طرف‌های درگیر در دارفور، به وجود آورنده جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت بوده و توصیه‌هایی را جهت کاستن از آسیب‌های آوارگان و جبران اعمال اشتباه و اعمال عدالت در مورد مسببین امر ارائه کرد.

با توجه به اینکه در مورد مخاصمات داخلی، ماده سه مشترک کنوانسیونهای چهارگانه و پروتکل دوم الحاقی موضوعیت دارند، ذیلاً به بررسی تحوه نقض مقررات این دو سند در جریان بحران دارفور می‌پردازیم:

دولت سودان عضو کنوانسیونهای چهارگانه ژنو می‌باشد لیکن عضو هیچ کدام از پروتکل‌های دوگانه الحاقی نمی‌باشد. عدم عضویت این کشور در پروتکل‌های الحاقی (در قضیه دارفور پروتکل دوم موضوعیت دارد) دلیلی بر عدم الزام‌آور بودن رعایت مقررات آن از سوی سودان نیست زیرا مقامات دولتی سودان در جریان مذاکره در خصوص الحاقی به پروتکل بر این نکته تأکید نموده‌اند که برخی مقررات بنیادین بدون توجه به عضویت یا عدم عضویت کشورها به آنها لازم‌الاجراست و در اینکه برخی مقررات موجود در پروتکل الحاقی مذکور جزو مقررات بنیادین می‌باشند، تردیدی نیست. این مقررات را «کنفرانس دیپلماتیک ۷۷-۱۹۷۴ راجع به اصول کلی که به صورت جهانی توسط کشورها پذیرفته شده‌اند» تعیین نموده است. این اصول کلی برخی مدون شده و برخی غیرمدونند و کمیسیون تحقیق بحران دارفور در پارگراف ۱۵۸ اعلام نموده است که اکثر کشورها، مفاد پروتکل دوم را مفاهیم ضمنی مقررات الزام‌آور دانسته‌اند.

این مقررات طرفهای درگیر را ملزم می‌دارد که به اصول بنیادین کرامت انسانی احترام بگذارند.

در قضیه شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶) دیوان اعلام می‌دارد، رعایت مقررات ماده سه مشترک در بردارنده رعایت حداقل معیارها در هر درگیری مسلحانه می‌باشد چرا که این حداقل معیارها عناصر تشکیل دهنده بشریت هستند. ماده سه مشترک در کنار سایر مقررات، حمایت‌های خاصی از اشخاصی که در درگیری شرکت نداشته‌اند انجام می‌دهد. این حمایتها بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت یا معیارهای دیگر می‌باشد. این ماده نقض حیات فرد، جنایت و قتل، قطع عضو، شکنجه و بی‌رحمی، تجاوز به کرامت انسانی، تحقیر و گروگانگیری را منع می‌کند.

این نظر دیوان در کنار گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل در حقوق بشر مورخه ۷/ می / ۲۰۰۴ که اعلام می‌دارد نقض مقررات بشر دوستانه به صورت سیستماتیک و گسترده در دارفور توسط دولت و گروه جنجويد صورت می‌پذیرد مبین مسئولیت دولت سودان در برابر نقض مقررات بنیادین بشر دوستانه توسط دولت می‌باشد.

عطف به اسناد دوگانه (ماده سه مشترک و پروتکل دوم الحاقی)، براساس گزارشهای تهیه شده توسط گروهها و کمیته‌های متشکله از سوی سازمان ملل، ادعا شده که نیروهای دولتی سودان به صورت غیرقابل تفکیک به شهروندان حمله می‌نمایند و این عمل نقض اساسی بند یک از ماده سه مشترک می‌باشد.

بر اساس این ادعاها تخریب کامل روستاها، فاحشگی اجباری، آتش زدن محصولات کشاورزی نیز از اقدامات دولت سودان می‌باشد و این اقدامات نقض آشکار ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی است.

همچنین تخریب خودسرانه خانه‌ها، مزارع و اموال، لوازم زندگی، منابع آب آشامیدنی شهروندان دارفور بدون وجود توجیه نظامی تخطی آشکار از مقررات منع‌کننده حقوق بشردوستانه راجع به حملات به اهدافی که برای ادامه حیات شهروندان ضروری است می‌باشد. (ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی)

شورشیان نیز با نقض حقوق کودکان و با گروگانگیری آنان، از آنها به عنوان سرباز استفاده می‌نمایند. این اقدام شورشیان، نقض مقررات مربوطه در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی است.

براساس گزارش کمیسیون تحقیق سازمان ملل، جنایات رخ داده در دارفور عبارتند

از:

۱. تصفیه قومی شهروندان، حمله به شهروندان و تخریب و سوزاندن روستاها در دارفور که عناصر متشکله جنایات جنگی می‌باشند.

۲. کشتار گسترده شهروندان غیرمرتبط با درگیری، سوءاستفاده و تجاوزات جنسی، برده‌داری جنسی یا سایر اشکال خشونت‌های جنسی، شکنجه، تحقیر و رفتار اهانت‌آمیز، آوارگی اجباری بیش از ۱/۸ میلیون نفر، ربودن زنان، انتخاب قربانیان از میان نژاد آفریقایی بویژه اقوام «فور» و «مسالتی» و «زقاوا» که همگی عناصر متشکله جنایات علیه بشریت

همچنین با توجه به ارجاع رسیدگی به قضیه دارفور (از منظر حقوق بشردوستانه) توسط قطعنامه شماره ۱۵۹۳ شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی و با عنایت به اینکه براساس اساسنامه این دیوان، رسیدگی کیفری به جنایاتی نظیر تصفیه نژادی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در صلاحیت دیوان می‌باشد و بالاخره تصریح دادستان شعبه ۱ دیوان کیفری بین‌المللی در ژوئن ۲۰۰۵ بر این نکته که «مبانی منطقی وجود دارد که این دیوان وارد موضوع دارفور گردد» نقض مقررات فوق‌الذکر توسط طرفهای درگیر محرز بوده و مسئولیت اولیه این تخلفات (براساس اصل مسئولیت بر حمایت) بر عهده دولت سودان می‌باشد.

نکته: در اینجا؛ ذکر این نکته لازم است که دولت سودان میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی ۱۹۶۶ و منشور حقوق بشر و شهروندی آفریقا را امضا نموده است. میثاق به کشورهای عضو، این اجازه را داده است تا در مواقع ضروری از برخی تکالیف این میثاق مستثنی شوند.

سودان به عنوان کشوری تحت شرایط ویژه از سال ۱۹۹۹ ادعا نموده است که در نقض فاحش مفاد بنیادین حقوق بشر با استفاده از مصونیت برگرفته از اوضاع ویژه ملی، عمل نموده است^۵ این توجیه براساس تفسیر ارائه شده از میثاق^۶ مردود می‌باشد چرا که براساس بند ۴ میثاق، این استثناها در مورد تکالیف و تعهدات بنیادینی مانند لزوم رعایت حق حیات، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت رفتار غیر انسانی و ممنوعیت برده

جمع بندی

بحران دارفور با داشتن ویژگی‌های یک مخاصمه غیر بین‌المللی یکی از نمونه‌ای عینی و موجود از عرصه نقض حقوق بشردوستانه می‌باشد. شدت این بحران نه تنها از زمان آغاز کاهش نیافته بلکه با مرور قطعنامه‌های شورای امنیت و گزارشهای سازمان‌های حقوق بشردوستانه، مشخص می‌شود که عمق این بحران روزبروز در حال افزایش است. از منظر حقوق بشردوستانه، قطعنامه‌های شورای امنیت جنایات جنگی (قطعنامه ۱۵۹۱ مورخ ۲۰۰۵) را محرز دانسته است.

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی نیز جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی را به عنوان جرائم مرتکبه از سوی طرف‌های درگیر دانسته و مسئولیت مستقیم این جرائم را متوجه دولت سودان اعلام نموده است.

کمیسیون بین‌المللی تحقیق نیز اعلام نموده است چون نقض مقررات بشردوستانه توسط دولت سودان به صورت سیستماتیک صورت پذیرفته است، این اقدامات جنایات عالییه بشریت می‌باشند.

در این گزارش با اشاره به اینکه گروههای شورشی اقدامات سیستماتیک در نقض مقررات نداشته‌اند، اعلام گردیده است به دلیل فاحش بودن نقض مقررات توسط گروههای شورشی، این اقدامات در حد جنایات جنگی محسوب می‌شوند.

گزارش ادامه می‌دهد که با توجه به اینکه عنصر «قصد» در جرم نسل‌کشی، عامل تعیین‌کننده‌ای می‌باشد و به دلیل عدم مشاهده این عنصر در اقدامات دولت سودان، نمی‌توان جرم نسل‌کشی را به دولت منتسب نمود.

پی نوشت‌ها:

^۱ . [http:// www.un.org/secureworld](http://www.un.org/secureworld)

^۲ - در این بخش، از مطالب مقاله زیر استفاده شده است:

"The Sudanese Darfur Crisis and Internally Displaced Persons in International Law, The Least Protection for the Most Vulnerable", International journal of refugee law-vol, 18, no 2, June 2006

^۳- Further Promotion and Encouragement of Human Right (Fundamental Freedoms, Including the Question of the Programs and Method of Work of the Commission on Human Rights, Mass) Exoduses and Displaced Persons.22/Feb/1996/UNdoc.E/Cn.4.

^۴ . Report of UNHCHR on "Situation of human rights in the Darfur region of the Sudan" Commission on Human Rights UN Doc. E/ CN.4/ 2005

^۵ . گزارش کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب در دارفور، ۲۰۰۵.

^۶ . تفسیر عمومی شماره ۲۹.

منابع:

- 1- [http:// www.un.org/secureworld](http://www.un.org/secureworld)
 - 2- "The Sudanese Darfur Crisis and Internally Displaced Persons in International Law, The Least Protection for the Most Vulnerable", International journal of refugee law-vol. 18, no 2, June 2006.
 - 3- Report of UNHCHR on " Situation of human rights in the Darfur region of the Sudan" Commission on Human Rights UN Doc. E/ CN.4/ 2005
 - 4- Exoduses and Displaced Persons.22/Feb/1996/UNdoc.E/Cn.4
- ۵- گزارش کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب در دارفور، ۲۰۰۵.
- ۶- تفسیر عمومی شماره ۲۹.